

## الیف شفق از جنگ ترکیه با آزادی بیان می گوید

### الیف شفق

دو ماه قبل یک روز وقتی از خواب برخاستم با هزاران پیام توهین آمیز در شبکه های اجتماعی روبه رو شدم که بسیاری از آنها توسط بات ها و ترول ها فرستاده شده بود. جملاتی را از یکی از رمان هایم، «نگاه خیره»، بیرون کشیده بودند و با انتشار آنها خواهان محاکمه ای داستان نویسان به اتهام «هرزگی» شده بودند. به رمان جدیدم، «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب»، هم حمله کرده بودند. هر دوی این کتاب ها به موضوعات دشواری می پردازند - آزار و اذیت جنسی، خشونت جنسیتی، کودک آزاری - و من تنها نویسنده ای نبودم که هدف چنین حملاتی قرار می گرفتم. طولی نکشید که این رفتار جنون آمیز به نوعی اعدام دیجیتالی نویسندگان ترکی تبدیل شد که در رمان ها و داستان های کوتاه خود به مسائل مشابهی اشاره کرده بودند.

در همان هفته ناشر ترکم به من زنگ زد و ضمن ابراز نگرانی خبر داد که مأموران پلیس به دفترش رفته و خواهان بازبینی چند کتاب شده بودند. نه تنها رمان های من بلکه آثار دو یگو آشنا، فمینیست نامداری که در سال ۲۰۰۶ درگذشت، را هم طلب کرده بودند. این کتاب ها را برای تحقیق و تفحص به دفتر دادستان برده بودند.

از زمان کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶، ۲۹ مؤسسه ای انتشاراتی به دستور دولت بسته شده و ۱۳۵ هزار کتاب، از جمله آثار لویی آلتوسر و ناظم حکمت، بزرگ ترین شاعر ترکیه، از کتابخانه های عمومی جمع آوری شده است. یک دادستان باروخ اسپینوزا و آلبر کامو را به اتهام عضویت در یک سازمان تروریستی محکوم کرده است. درباره ی ماهیت ضدلیبرالی پوپولیسم اقتدارگرا بسیار سخن گفته اند اما از ضدیت آن با روشنفکران و فمینیسم چندان حرف نزده اند. پوپولیسم اقتدارگرا می خواهد جامعه را به دو اردوگاه تقسیم کند: مردم پاک و نخبگان فاسد. پوپولیست ها اغلب نویسندگان، روزنامه نگاران، شاعران و پژوهشگران را جزئی از نخبگان فاسد می شمارند. به نظر پوپولیست ها، نخبگی ربطی به قدرت اقتصادی یا جایگاه اجتماعی ندارد بلکه به ارزش ها مربوط می شود. بنابراین، یک استاد یار دانشگاه که آن قدر پول ندارد که در شهر خانه بخرد و هر روز مجبور است که ساعت ها وقت صرف رفت و آمد کند اما نظراتی ترقی خواهانه دارد «نخبه» است. در عین حال، اگر یک مدیر «صندوق پوشش ریسک» حامی مالی جنبش های پوپولیست ناسیونالیستی باشد «آدمی مردمی» است.

از مردم تصویر بی عیب و نقصی ارائه می کنند و آنها را پاک و معصوم جلوه می دهند. بولنت آری، معاون رئیس یک دانشگاه نویناد در ترکیه، در تلویزیون ادعا کرد: «ترجیح می دهم به مردم بی سوادی اعتماد کنم که دانشگاه یا حتی دبستان نرفته اند... چون فکرشان پاک و منزه مانده است.» او ضمن ابراز ناخرسندی از افزایش میزان باسوادی ادعا کرد که آنهایی که تحصیلات بیشتری دارند افکارشان مشوّش است و نمی توانند درست فکر کنند. او افزود، «اگر اردوغان از قدرت کناره گیری کند فاجعه رخ خواهد داد.» اندکی بعد، دولت او را به عضویت در «شورای آموزش عالی» منصوب کرد.

دولت اردوغان خصومت آشکاری با روشنفکران دارد. این دولت در دوران «وضعیت اضطراری» بیش از ۷۳۰۰ دانشگاهی را اخراج کرده است. حدود ۷۰۰ پژوهشگر به جرم امضای یک طومار صلح در دادگاه محکوم شده اند. آنها را از کار اخراج کرده و در لیست سیاه قرار داده اند. بعضی از آنها دستگیر شده اند، برخی دیگر را از سفر ممنوع و روادیدشان را ضبط کرده اند. مهیت فاتح تراش، یک استاد یار دانشگاه که پس از امضای این طومار جریمه شده بود، خودکشی کرد. شبنم کرور فنجانچی، استاد دانشگاه و رئیس «بنیاد حقوق بشر»، و عایشه گول آلتینای، استاد مطالعات

جنسیت و زنان، به دو سال زندان محکوم شده‌اند. فسون اوستل، استاد دانشگاه و یکی از نامدارترین صاحب‌نظران ترکیه درباره‌ی ناسیونالیسم و هویت، در زندان به سر می‌برد. اوضاع روزنامه‌نگاران زن نیز همین قدر بد است. نیروهای پلیس نیمه‌شب به خانه‌ی نورجان بیصل هجوم بردند. بیصل یکی از مهم‌ترین روزنامه‌نگارانی است که درباره‌ی آسیب‌های روانی زنان ایزدی و کرد می‌نویسد؛ او را به خاطر مقالاتش محاکمه کردند. آیلا آلبایراک، خبرنگار «وال استریت ژورنال»، پس از نگارش مقاله‌ای درباره‌ی اوضاع منطقه‌ی عمدتاً کردنشین جنوب شرقی ترکیه به «تبلیغات تروریستی» متهم شد. دادگاه برای او حکم غیابی صادر کرد. سازمان بریتانیایی «بند ۱۹» که مدافع آزادی بیان و اطلاعات است، این حکم را «حکمی بی‌سابقه برای خبرنگار یک رسانه‌ی خارجی» خواند.

روشنفکرستیزی با فمینیسم‌ستیزی همراه است. اردوغان گفت، «شما [فمینیست‌ها] هیچ ربطی به دین یا تمدن ما ندارید.» فمینیست‌ها نیز مثل روشنفکران متهم می‌شوند که «آلت‌دست غرب» و «جهان‌وطنان بی‌ریشه» هستند. زنان عضو احزاب مخالف بی‌رحمانه هدف قرار می‌گیرند. جانان کفتانچی‌اوغلو، رئیس نواحی خارج از پایتخت حزب «جمهوری‌خواه خلق» ترکیه، نقش مهمی در پیروزی اکرم امام‌اوغلو در انتخابات شهرداری استانبول داشت. اکنون کفتانچی‌اوغلو آماج حملات شدید روزنامه‌ها و کانال‌های هوادار دولت در شبکه‌های اجتماعی است. هفته‌ی قبل، دادستانی استانبول خواهان زندانی شدن او به خاطر نگارش چند توهین شد. او به اهانت به رئیس جمهور و اشاعه‌ی تبلیغات تروریستی متهم شده است. او در واکنش در توییتری نوشت: «یک چیز معلوم است: آنها از زنان می‌ترسند، از زنانی که رک و راست حرف خود را می‌زنند و شجاع‌اند. به نظرم.» حق دارند که بترسند

روند اوضاع در ترکیه نشان می‌دهد که خیزش ملی‌گرایی و اقتدارگرایی با رواج مردسالاری و همجنس‌گراهراسی همراه است. ماه قبل، برای پنجمین بار، راه‌پیمایی اقلیت‌های جنسی در استانبول ممنوع شد و پلیس با توسل به خشونت و شلیک گلوله‌های لاستیکی و گاز اشک‌آور تظاهرکنندگان را متفرق کرد. این همان نوع اروپایی است که پوپولیست‌های اقتدارگرا در پی ایجادش هستند: اروپایی روشنفکرستیز، فمینیست‌ستیز، دشمن اقلیت‌های جنسی و مخالف حق سقط جنین. در مجارستان، دولت مطالعات جنسیتی و زنان را ممنوع کرده و گفته است: «ما نمی‌پذیریم که بگویند جنسیت نه به صورت زیست‌شناختی بلکه به طور اجتماعی ایجاد می‌شود.» سیاست ویکتور اوربان، نخست وزیر مجارستان، مبنی بر اعطای معافیت‌های مالیاتی به مادرانی که دست‌کم چهار فرزند دارند مشابه سیاست اردوغان است که زنان ترک را به افزایش زادوولد تشویق می‌کند. در سال ۲۰۱۷ اردوغان به ترک‌های مقیم اروپا گفت، «به سه بچه اکتفا نکنید بلکه پنج بچه به دنیا بیاورید.» در همین حال، وزارت بهداشت لهستان هم با انتشار ویدیوی شهروندان این کشور را به تولیدمثل تشویق کرده است: «اگر می‌خواهید بچه‌دار شوید از خرگوش‌ها تقلید کنید.» فروش بدون نسخه‌ی قرص‌های ضدبارداری در لهستان ممنوع شده و قانون سقط جنین در این کشور یکی از سخت‌گیرانه‌ترین قوانین در سراسر اروپا است. در ورشو، ۱۴ زنی را که پلاکارد «فاشیسم را متوقف کنید» در دست گرفته بودند مضروب کردند و تحت پیگرد قانونی قرار دادند. در اسپانیا، حزب «نظر» اتوبوسی با تصویر هیتلر را کرایه کرد که زیرش نوشته بود: «#جلوی».

فمینیست‌های تندرو را بگیرد جنسیت بخش مهمی از این روایت است. اگر بتوان زنان را قانع کرد که به ارزش‌های سنتی بازگردند، جمعیت افزایش خواهد یافت و نسبت اکثریت-اقلیت مثل گذشته خواهد شد. تغییرات جمعیتی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ملی‌گرایان پوپولیست است. اگر سفیدپوستان همچنان اکثریت را حفظ کنند، ناسیونالیست‌ها بیشتر احساس امنیت خواهند کرد. علاوه بر این، نیاز به کارگران مهاجر کاهش خواهد یافت. تصادفی نیست که شعارهای مهاجرستیزانه با افزایش شعارهای ضدفمینیستی همراه شده است.

در سال ۲۰۰۶، پس از انتشار «حرامزاده‌ی استانبول» -رمانی درباره‌ی یک خانواده‌ی ترک و ارمنی- آمریکایی- به اتهام «اهانت به هویت ترکی» محاکمه شدم. داستان‌ها به حرف‌های بعضی از شخصیت‌های ارمنی داستان به عنوان «شاهد و مدرک» استناد کردند. در نتیجه، وکیل ترکم باید علاوه بر من از شخصیت‌های داستانم هم دفاع می‌کرد. کاش می‌توانستم بگویم که از آن زمان ترکیه از نظر حقوق بشر و آزادی بیان پیشرفت کرده است اما متأسفانه روند اوضاع معکوس بوده است.

هیچ کشوری از ظهور ملی‌گرایی پوپولیست در امان نیست. تداوم تضعیف ارزش‌های لیبرال دموکراتیک، ما قصه‌گوها را با مشکلات غیرمنتظره‌ای مواجه کرده است. دوریس لسینگ زمانی می‌گفت که ادبیات تحلیل پس از وقوع رویداد است. اما شاید بعضی اوقات ادبیات باید رویدادها را هم‌زمان با وقوع آنها تحلیل کند. عجیب آن که در زمانی که به حقیقت حمله می‌شود، نویسندگان باید بیش از پیش از پیش از قصه و داستان دفاع کنند. در عصر خشم، قبیله‌گرایی و بی‌اعتنایی، محتاج داستان‌هایی درباره‌ی پیوند، انسان‌گرایی و همدلی هستیم. در مواجهه با تقابل‌های دوتایی، باید طرز فکر متفاوتی را ترویج کنیم. همیشه افول دموکراسی با افزایش سانسور و نارواداری همراه خواهد بود. امروز، بیش از پیش، ادبیات باید نه تنها به داستان‌ها بلکه به سکوت‌ها و ساکت‌شدگان پردازد. ادبیات باید به پناهگاه ضعفا و حاشیه‌نشینان سراسر دنیا تبدیل شود. برگردان: عرفان ثابتی

---

الیف شفق رمان‌نویس ترک‌تبار و از پرخواننده‌ترین نویسندگان معاصر است. آن‌چه خواندید برگردان این نوشته‌ی او با عنوان اصلی زیر است:

Elif Shafak, 'Police officers demanded to see my books: Elif Shafak on Turkey's war on free-speech', **The Guardian**, 15 July 2019.

برگرفته از آسو